

روش‌شناسی نظریه‌ی بنیادی

دکتر محمد تقی ایمان*
منیژه محمدیان**

چکیده

نظریه‌ی بنیادی یکی از روش‌هایی است که در تحقیقات کیفی استفاده می‌شود و مبتنی بر رویکرد استقرایی است. این روش‌شناسی مستقل برای پدیده‌های غیرقابل اندازه‌گیری و فرایندی استفاده شده، ظرف تحلیل داده‌های کیفی نیز تلقی می‌شود. در این روش، پس از نمونه‌گیری نظری، جمع‌آوری داده‌ها و هم‌زمان با آنها، کدگذاری و تحلیل داده‌ها آغاز می‌شود. تحلیل داده‌ها بر اساس کدگذاری باز، محوری و انتخابی انجام می‌شود و تا اشباع نظری ادامه می‌یابد. در مرحله‌ی اشباع نظری، نظریه‌متکی بر داده‌ها ساخته می‌شود. معرفی این روش‌شناسی - که در روان‌شناسی اجتماعی، مدیریت، بهداشت و جامعه‌شناسی کاربرد فراوان دارد - و بیان قابلیت‌ها و مراحل انجام آن، از اهداف این مقاله است.

واژه‌های کلیدی: نظریه‌ی بنیادی، پارادایم، رهیافت کیفی، کدگذاری باز، کدگذاری محوری، کدگذاری انتخابی، نظریه.

مقدمه

علوم اجتماعی مانند هر علم دیگری روش‌های خاص خود را دارد و با آنها در مجامع علمی شناخته می‌شود. هر یک از این روش‌ها با اهداف ویژه‌ای استفاده می‌شوند و پیش‌فرض‌ها و رویکردهای خاصی دارند. به‌طور کلی می‌توان از دو رویکرد کمی و کیفی سخن گفت (کرسول، ۱۹۹۴). رویکرد کمی مبتنی بر اثبات‌گرایی است و از سنت تجربی اندیشمندانی چون کنت، دورکیم، نیوتن و لاک نشأت می‌گیرد (اسمیت، ۱۹۸۳). رویکرد اثبات‌گرایی تحت تأثیر روش علوم طبیعی و به ویژه فیزیک نیوتن، در عرصه‌ی علوم انسانی ظهور کرده است. اثبات‌گرایی در علوم انسانی، متعلق به قرن ۱۹ است که در آن، از روش‌های علوم طبیعی در طراحی و انجام تحقیقات علوم انسانی استفاده می‌شود. (ایمان، ۱۳۷۴، ص ۵۳).

لینکلن^۱ و گوبا^۲ (۱۹۸۵) در کتاب *بررسی طبیعت‌گرایانه* بیان داشته‌اند که رویکرد کیفی مبتنی بر رویکرد برساخت‌گرایانه^۳ است. این رویکرد، رویکرد تفسیری (اسمیت، ۱۹۸۳) یا نگرش فرااثبات‌گرایانه یا پست‌مدرن را شامل می‌شود (کوانتز، ۱۹۹۲). رویکرد برساخت‌گرایانه حرکتی علیه سنت قدیمی اثبات‌گرایی بود که نویسندگانی چون دیلتای و وبر آن را آغاز کردند (اسمیت، ۱۹۸۳). در جدول شماره ۱ به بررسی این دو رویکرد، از جهات هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی، ارزش‌شناختی^۴، بلاغت^۵ و روش‌شناختی پرداخته شده است.

پیش‌فرض	سؤال	کمی	کیفی
هستی‌شناختی	ماهیت واقعیت چیست؟	واقعیت، آن چیزی است که مجزا از نویسنده است و عینیت دارد.	واقعیت، ذهنی است و به دلیل وجود مشارکت‌کنندگان، این واقعیت نیز چندگانه است.
معرفت‌شناختی	چه ارتباطی بین محقق و تحقیق وجود دارد؟	محققان از موضوع مورد بررسی جدا و مستقل هستند.	محققان با آنچه بررسی می‌کنند، در کنش‌اند.
ارزش‌شناختی	نقش ارزش‌ها چیست؟	بدون تعصب و فارغ از ارزش	دخیل بودن تعصبات و ارزش‌ها

1. Lincoln
2. Guba
3. constructionist
4. axiological assumption
5. rhetorical assumption

بلاغت	زبان تحقیق چیست؟	رسمی مبتنی بر مجموعه‌ای از تعاریف گفتار غیر شخصی ^۱ کلمات کمی استفاده می‌شود.	غیررسمی شامل تصمیمات است. گفتار شخصی ^۲ کلمات کیفی استفاده می‌شود.
روش‌شناختی	فرایند تحقیق چگونه است؟	قیاسی علی و معلولی طرح ایستاست، و طبقه‌بندی‌ها قبل از مطالعه جدا شده‌اند. بستر تحقیق باز است. نتیجه‌ی تحقیق، تعمیم ^۳ پیش‌بینی و توضیح است. اعتبار ^۳ و پایایی ^۴ ، صحت و قابل اعتماد بودن آن را می‌سنجند.	استقرایی شکل‌گیری عامل‌ها هم‌زمان و دوجانبه است. ظاهر شدن طرح‌ها و طبقه‌ها در طول تحقیق بستر تحقیق بسته و کوچک است. الگوها و نظریه‌ها برای درک توسعه داده می‌شوند. صحت آن را بازبینی مشخص می‌کند.

جدول شماره‌ی (۱): پیش‌فرض‌های رویکرد کمی و کیفی

(منبع: فایرستون، ۱۹۸۷؛ گوبا و لینکلن، ۱۹۸۸؛ مک کراکن، ۱۹۸۸)

همان‌طور که پیش‌فرض‌های متفاوتی در هریک از رویکردهای کمی و کیفی مطرح‌اند، دلایل مختلفی از نظر نگرش محقق، آموزش و تجربه‌ی او، ویژگی‌های روان‌شناختی محققان، ماهیت مسئله و افراد مورد مطالعه وجود دارند که باعث می‌شوند محققان یکی از رویکردهای کیفی یا کمی را انتخاب کنند. در جدول شماره‌ی ۲ دلایل این انتخاب آورده شده‌اند.

مشخصات	رویکرد کمی	رویکرد کیفی
نگرش محقق	یک محقق با فرضیات هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی، ارزش‌شناختی، بلاغت و روش‌شناختی رویکرد کمی به مطالعه و بررسی می‌پردازد.	یک محقق با فرضیات هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی، ارزش‌شناختی، بلاغت و روش‌شناختی رویکرد کیفی به مطالعه و بررسی می‌پردازد.
آموزش و تجربه‌ی محقق	مهارت‌های تکنیکی نوشتن، آماری کامپیوتر و کتابخانه‌ای	مهارت‌های نوشتن ادبیات، تحلیل متن با کامپیوتر و کتابخانه‌ای
ویژگی‌های روان‌شناختی محققان	وجود قوانین و راهنمایی‌هایی برای انجام تحقیق، تحمل کم در برابر ابهامات، کوتاه مدت بودن تحقیق	نبود قوانین و شیوه‌های خاص برای انجام تحقیق، تحمل فراوان در برابر ابهامات، طولانی مدت بودن تحقیق

1. impersonal voice
2. personal voice
3. validity
4. reliability

ماهیت مشکل	قبلاً محققان دیگر آن را مطالعه کرده‌اند و ادبیات کاملی از آن وجود دارد. متغیرها شناخته شده‌اند. نظریه موجود است.	تحقیق، اکتشافی است و متغیرها ناشناخته‌اند. زمینه اهمیت دارد. امکان نبود نظریه درباره‌ی موضوع مورد مطالعه هست.
افراد مورد مطالعه	باید افراد به این بررسی‌ها اعتماد داشته باشند.	باید افراد به این بررسی‌ها اعتماد داشته باشند.

جدول شماره‌ی (۲): دلایل انتخاب رویکرد

(منبع: کرسول، ۱۹۹۴، ص ۹)

در هر یک از رویکردهای گفته‌شده، شیوه‌هایی مختلفی برای جمع‌آوری داده و تحلیل آنها وجود دارند. در روش‌های کمی، دو نوع جمع‌آوری داده (آزمایشی و پیمایشی) وجود دارد (کرسول، ۱۹۹۴). روش‌های کیفی، در علوم اجتماعی و انسانی، بسیاری از روش‌های مختلف را مانند پدیدارشناسی، مردم‌نگاری، تحلیل گفتمان، روش تاریخی-مقایسه‌ای و اقدام‌پژوهی در برمی‌گیرند که روش‌شناسی نظریه‌ی بنیادی^۱ یکی از آنهاست. اولین بار، گلازر^۲ و اشتراوس^۳ (۱۹۶۷) روش نظریه‌ی بنیادی را توسعه دادند. آنها در کتاب *کشف نظریه‌ی بنیادی*^۴ نظریه‌ی بنیادی را یک روش تحقیق معرفی کردند. ریشه‌های نظریه‌ی بنیادی به مکتب کنش متقابل نمادین می‌رسد. منشأ این مکتب را در کارهای کولی^۵ (۱۸۶۴-۱۹۲۹) و مید^۶ (۱۸۶۳-۱۹۳۱) می‌توان مشاهده کرد. این محققان تلاش کردند که از قطبی شدن روان‌شناسی و جامعه‌شناسی جلوگیری کنند. در روان‌شناسی، بر قابل پیش‌بینی بودن رفتار بر حسب ژن و فرایندهای عصبی تأکید می‌شود و در جامعه‌شناسی، که رهیافتی در برابر روان‌شناسی است، بر این موضوع تأکید می‌شود که اعمال افراد با در نظر گرفتن هنجارهای اجتماعی طرح‌ریزی می‌شوند (بلومر، ۱۹۶۹). مطابق با این رویکرد، افراد به صورت هدفمند، در کنش‌هایشان رفتار می‌کنند و در مقابل موضوع‌های مورد مطالعه خود، کنش و واکنش نشان می‌دهند. این کنش و واکنش به نوع معنایی بستگی دارد که موضوعات برای آنها به همراه دارد. این معانی شامل کنش متقابل اجتماعی است که آن هم به دلیل اینکه تفاسیر مختلف ارتباطی^۷ مانند اشارات^۸ و معنادار بودن نیت^۹ را در برمی‌گیرد، نمادی

1. grounded theory methodology
3. Strauss
5. Cooley
7. communication
9. significant of object

2. Glaser
4. the discovery of grounded theory
6. Mead
8. symbols

هستند، و به دنبال تغییر موقعیت‌ها دوباره تغییر می‌یابند^۱ (شوانت، ۱۹۹۴). بیشتر رویکردهای کنش متقابل نمادین در جامعه‌شناسی را نگرش‌های انتقادی تحت تأثیر قرار داده‌اند. لونبرگ (۱۹۹۳) مطرح می‌کند که حتی، قبل از دیدگاه‌های انتقادی مانند فمینیسم انتقادی و رویکردهای پست‌مدرن، کنش متقابل نمادین سستی از مشاهده‌ی مشارکتی برای تشخیص قدرت نامتعادل استفاده کرده است. مطالب یادشده نشان‌دهنده‌ی این هستند که مکتب کنش متقابل نمادین، قبل از این روش‌شناسی، به مشاهده‌ی مشارکتی و معانی ذهنی افراد علاقه‌مند بوده است. در مکتب کنش متقابل نمادین، از لحاظ روش‌شناختی، محقق نیاز دارد که با هدف مشاهده‌ی موضوعات محیطی، کنش متقابل موجود بین آنها و تفاسیرشان وارد دنیای خارجی بشود. نظریه‌ی توسعه‌یافته باید به شکلی ارایه شود که یک تصویر روشن ایجاد کند؛ مانند کارهایی که گافمن انجام داد (گافمن، ۱۹۵۹، ۱۹۶۱، ۱۹۷۰). در مکتب کنش متقابل، بر ماهیت فرد در جامعه و روابط بین ادراک افراد، عمل جمعی و جامعه تأکید می‌شود (آنلس، ۱۹۹۶). در مکتب کنش متقابل نمادین بر اصولی تأکید شده که در نظریه‌ی بنیادی نیز به آنها توجه شده است. گلازر و اشتراوس به توسعه‌ی شیوه‌ی نظام‌مند برای جمع‌آوری و تحلیل داده‌های کیفی پرداختند. شیوه‌ای که آنها به وجود آوردند «نظریه‌ی بنیادی» نام گرفت.

نیومن معتقد است که «نظریه‌ی بنیادی مجموعه‌ای از شیوه‌ها برای توسعه دادن نظریه‌ای استقرایی در مورد یک پدیده است» (نیومن، ۱۹۹۷، ص ۲۳۴). اشتراوس و کوربین نظریه‌ی بنیادی را چنین معرفی می‌کنند: نظریه‌ی بنیادی که منشأ استقرایی دارد، از مطالعه‌ی پدیده‌ی روزمره‌ی زندگی ناشی می‌شود. روش نظریه‌ی بنیادی، از مجموعه‌ی منظمی از شیوه‌ها برای توسعه دادن نظریه در مورد یک پدیده استفاده می‌کند و بر مبنای یافته‌های تحقیق فرمولی نظری از واقعیت را می‌سازد (اشتراوس و کوربین، ۱۹۹۰، ص ۲۴). در این روش، نظریه به دنبال کنش بین داده‌ها و تحلیل به وجود می‌آید (گلازر و اشتراوس، ۱۹۶۷؛ اشتراوس و کوربین، ۱۹۹۰؛ گلازر، ۱۹۷۸؛ اشتراوس، ۱۹۸۷؛ چارمز، ۱۹۸۳). گلازر به نقش توسعه‌ی نظریه و اهمیت آن در حساس کردن محقق در برابر معنی مفهومی به دست آمده از مفاهیم و طبقه‌بندی‌ها تأکید دارد (گلازر، ۱۹۷۸). نظریه‌ی توسعه‌یافته باید:

1. modified

- قادر به پیش‌بینی و تبیین رفتار باشد.
- در پیشرفت‌های نظری جامعه‌شناسی مفید باشد.
- کاربردی باشد.
- راهنما و فراهم‌کننده‌ی یک روش تحقیق در زمینه‌های رفتاری باشد.
- فراهم‌کننده‌ی یک دیدگاه^۱ برای انجام رفتار باشد.
- باعث شود طبقات و فرضیاتی ایجاد شوند که در تحقیقات آتی هم تأیید شوند (گلازر و اشتراوس، ۱۹۶۷).

«نظریه‌ی بنیادی معمولاً، بر سطح خرد (نه کلان) متمرکز است و بر تفسیر مداوم، بین تحلیل و داده‌ها تأکید دارد» (اشتراوس و کوربین، ۱۹۹۴، ص ۲۷۳)؛ زیرا هدف، استخراج نظریه‌ای بر مبنای داده‌های جمع‌آوری شده است. این فرایند دربرگیرنده‌ی یک طرح هدایت‌شده به وسیله‌ی داده است (نمونه‌گیری نظری) و هدف اصلی، ایجاد مفاهیم نظری از داده و جست و جوی مفاهیم مرکزی^۲ (اشتراوس، ۱۹۸۷) یا آن چیزی است که گلازر آن را فرایند اجتماعی اصلی^۳ یا فرایند روان‌شناختی اجتماعی اصلی^۴ می‌نامد (گلازر، ۱۹۷۸).

کاربرد روش‌شناسی نظریه‌ی بنیادی

در موارد متعددی، از روش نظریه‌ی بنیادی استفاده می‌شود:

- اگر هدف، درک محیطی باشد که شناخت کمتری از آن وجود دارد یا در گذشته، چندان به وضوح بررسی نشده است، فرد علاقه‌مند به تحقیق در این زمینه، به شیوه‌های خاص تحقیقی برای مطالعه‌ی آن موضوع نیاز دارد و استفاده از روش نظریه‌ی بنیادی در این زمینه سودمند است.

- گاهی که محقق نمی‌داند دقیقاً، چه چیزی می‌خواهد یا در پی چیست، با استفاده از این روش می‌تواند به مسئله‌ی موجود در آن زمینه پی‌برد.

- اگر هدف از بررسی دست‌یابی به پیچیدگی‌های یک پدیده و درک آن، در زمینه‌های متعدد^۵ باشد، محقق به روشی از ساده کردن و مدیریت داده نیاز دارد،

1. perspective
 2. core concepts
 3. basic social process
 4. basic social psychological process
 5. multi context

بدون آنکه این پیچیدگی و زمینه دستکاری شود. استفاده از این روش در چنین مواردی مفید است.

- اگر هدف، درک فرایند و شیوه‌ی تجربه‌ی افراد باشد و اینکه این افراد چگونه تجربه‌شان را تفسیر می‌کنند، محقق نیاز به شیوه‌هایی برای کشف و درک پیچیدگی آنها دارد. روش‌های کیفی، به خصوص نظریه‌ی بنیادی در پی کشف این پیچیدگی‌ها هستند (مورس و ریچاردز، ۲۰۰۲).

- از این روش در بررسی‌های بسیاری استفاده شده است. در ابتدا، نظریه‌ی بنیادی یک روش مورد استفاده در جامعه‌شناسی توسعه‌یافته بود؛ اما اخیراً در رشته‌هایی مانند روان‌شناسی، مردم‌شناسی، پرستاری، تعلیم و تربیت و مدیریت استفاده می‌شود؛ هرچند ممکن است در بعضی از اصول، کاملاً شبیه هم عمل نکنند (گلدینگ، ۲۰۰۰).

کالوی^۱ و آریاو^۲ (۱۹۹۵) مطرح کرده‌اند که در زمینه‌ی تحقیقاتی سیستم‌های اطلاعاتی مدیریتی^۳ (MIS) نیاز به شیوه‌های جدید کشف دانش درباره‌ی آن افزایش یافته است و به نظر می‌رسد رویکردهای کیفی از جمله نظریه‌ی بنیادی می‌توانند در این زمینه کمک کنند. سیلی^۴، تارگت^۵ و کینگ^۶ این بحث‌ها را تقویت کرده و بیان داشتند که تحقیق کیفی باید به عنوان یک تکمیل‌کننده در کنار روش‌های کمی قرار بگیرد. تحقیقات کیفی مانند چراغی در زمینه‌ی مسائل سازمانی و انسانی عمل می‌کنند که قویاً بر توسعه‌ی سازمان‌ها اثر قرار می‌گذارند (کینگ، ۱۹۹۶؛ سیلی و تارگت، ۱۹۹۷). در جدول شماره‌ی ۳ نمونه‌ای از تحقیقاتی که در زمینه‌ی مدیریتی با روش نظریه‌ی بنیادی انجام شده‌اند نام برده می‌شوند. این جدول نگاهی است اجمالی به زمینه‌های استفاده از روش‌شناسی نظریه‌ی بنیادی. روش نظریه‌ی بنیادی می‌تواند برای کشف محدوده‌ی گسترده‌ای از مسائل مدیریتی استفاده شود. استفاده از این روش در مدیریت، در زمینه‌ی بازاریابی و توسعه دادن آن و رفتار مشتری‌ها، در کارهای هاریشن^۷ و تامپسون^۸ (۱۹۹۷) مشاهده می‌شود؛ به علاوه، از این روش برای کشف مسائل فرهنگی درباره‌ی سازمان‌ها (ترنر، ۱۹۸۱؛ ۱۹۸۸)، رفتارهای مصرف‌کنندگان

1. Calloway
3. management information system
5. Targett
7. Hirschman

2. Ariav
4. Seeley
6. King
8. Thompson

(هوستون و ونکاتش، ۱۹۹۶)، تجربه‌های آنان (گلدینگ، ۲۰۰۰ b؛ ۲۰۰۰ c) و رفتار توریست‌ها (رایلی، ۱۹۹۶) استفاده کرده‌اند. طالبان در کتاب *پرستاران و روش‌های تحقیق کیفی* به بررسی این روش‌ها پرداخته است و استفاده از تئوری بنیادی را در پرستاری و مسائل زندان مفید دانسته است (طالبان، ۱۳۸۲).

عنوان تحقیق	منابع
تکنولوژی اطلاعاتی و اجرایی	سیلی و تارگت، ۱۹۹۷
توسعه‌ی سیستم‌ها	کینگ، ۱۹۹۶؛ کالوی و آریو، ۱۹۹۵
مدیریت درک و فهم در سازمان‌ها	براون، ۱۹۹۴؛ ۱۹۹۵
فرهنگ سازمانی	ترنر، ۱۹۸۱؛ ۱۹۸۸
نگرش‌های کاری پرسنل	کلاق و همکاران، ۱۹۹۶؛ نوفولد و همکاران، ۱۹۹۶
پاسخ خرده‌فروشان به برنامه‌های کم‌هزینه‌ی تولیدکنندگان	مانینگ و همکاران، ۱۹۹۸
کارفرمایان زنان روستایی	ایگان، ۱۹۹۷؛ مک کینلی-رایت، ۱۹۹۵
تکنولوژی فرایند تولید و استراتژی رقابتی	شرودر و کوندن، ۱۹۹۵
ساختن تعاونی در صنعت‌های رقابتی	براونینگ و همکاران، ۱۹۹۵
رفتار مصرفی	هوستون و ونکاتش، ۱۹۹۶؛ گلدینگ، ۲۰۰۰ b؛ ۲۰۰۰ c
تبلیغات و رسانه‌های عمومی	هریسمن و تامپسون، ۱۹۹۷
بازاریابی	بورچیل و فابن، ۱۹۹۷
مبادله‌ی داده‌ی الکترونیکی	کروک و کومار، ۱۹۹۸
رهبری در سازمان‌ها	پاری، ۱۹۹۸
رفتار توریست	رایلی، ۱۹۹۶
پرستاران و روش‌های تحقیق کیفی	طالبان، ۱۳۸۲
ارایه‌ی چارچوب نظری در زمینه‌ی تعامل قابلیت یادگیری و تحول سازمانی	اقدسی، موحدی سبحانی، ۱۳۸۲

جدول شماره‌ی (۳): نظریه‌ی بنیادی در زمینه‌های مختلف تحقیقات

در زمینه‌های فرهنگی نیز می‌توان از نظریه‌ی بنیادی استفاده کرد؛ مخصوصاً زمانی که سعی بر آن است که به بررسی فرهنگ بیگانه و ناآشنا پرداخته شود. کار ترنر (۱۹۸۱؛ ۱۹۸۸) را می‌توان بهترین کار در این زمینه دانست. استفاده از روش‌شناسی نظریه‌ی بنیادی برای مواردی مانند تجربه‌ها، در موقعیت‌هایی که تغییر آنها احتمال می‌رود، مناسب است. در زمینه‌های مختلفی که درک کردن تغییر و فرایند اساسی است، مانند مطالعات مربوط به تندرستی، مدیریت و تجارت استفاده از این روش مناسب به نظر می‌رسد (مورس و ریچاردز، ۲۰۰۲).

مراحل روش‌شناسی نظریه‌ی بنیادی

۱. سؤالات و فرضیات درباره‌ی نظریه‌ی بنیادی

برای انجام هر نوع بررسی و تحقیقی، مسئله‌ای پیش می‌آید و سپس سؤالاتی در آن مورد مطرح می‌شوند. کوربین و اشتراوس (۲۰۰۸) منابعی را که مسئله‌ی تحقیق از آنها نشأت می‌گیرد، چنین بیان می‌کنند:

- فردی آگاه به موضوع و متخصص می‌تواند مسئله‌ی تحقیق را بیان کند.
- مسئله‌ی تحقیق ممکن است بعد از بررسی ادبیات حوزه‌ای خاص عارض شود.
- مسئله‌ی تحقیق ممکن است از تجربه‌ی شخصی و حرفه‌ای محقق ناشی شود.
- مسئله‌ی تحقیق امکان دارد از خود تحقیق نشأت بگیرد.

سؤال تحقیق اهمیت خاصی دارد؛ چرا که به نوعی، باعث می‌شود موضوع مورد بررسی محدود شود. در بررسی‌ها و تحقیقات نمی‌توان همه‌ی جوانب یک موضوع را بررسی کرد (اشتراوس و کوربین، ۱۹۹۰). موریس و ریچاردز (۲۰۰۲) سؤالاتی را که در روش‌شناسی نظریه‌ی بنیادی مطرح هستند، بیان می‌کنند. آنان معتقدند که سؤال‌ها درباره‌ی تغییر تجربه، در طول زمان یا مراحل آن تغییر پرسیده می‌شوند؛ برای مثال، فرایند ... شدن چگونه است؟ این روش به سؤالات تفهیمی نیز پاسخ می‌دهد؛ مثلاً، ابعاد این تجربه چه هستند؟ همان گونه که قبلاً اشاره شد، ریشه‌های فلسفی نظریه‌ی بنیادی به مکتب کنش متقابل نمادین می‌رسد. در این مکتب فرض می‌شود که واقعیت با توجه به نگرش افراد متفاوت، به طور مداوم، در حال تغییر و توسعه است (بلومر، ۱۹۶۹؛ ۱۹۸۶). سؤالات تحقیق در نظریه‌ی بنیادی نیز منعکس‌کننده‌ی این فرایند تغییر، و شیوه‌های جمع‌آوری و تحلیل داده منعکس‌کننده‌ی این الزام در درک شیوه‌هایی هستند که به لحاظ اجتماعی ساخته می‌شوند. به دلیل فرایندهای تغییر و اجتماعی بودن سازه است که محقق این مراحل و دوره‌های تغییر و تحول را بررسی و وصف می‌کند (همان). در کل می‌توان چنین گفت که مطالعات نظریه‌ی بنیادی با سؤال «اینجا چه می‌گذرد؟»^۱ آغاز می‌شوند. این شیوه‌ای است که به محقق کمک می‌کند فرایند یا یک موقعیت را درک کند (همان). در این مراحل، محقق باید ویژگی‌ای داشته باشد که اصطلاحاً حساسیت نظری^۲ نامیده می‌شود. حساسیت نظری باید در دو مرحله (انتخاب

1. what's going on here?

2. theoretical sensitivity

موضوع و کدگذاری) حفظ شود. ایده‌ی حساسیت نظری را گلازر (۱۹۷۸) ارائه کرده است. حساسیت نظری به کیفیت شخصیتی محقق اشاره دارد؛ منظور، آگاهی و باریک‌بینی محقق در مورد معنی داده‌هاست. یک فرد با درجات مختلفی از حساسیت نظری می‌تواند بسته به مطالعات قبلی و تجاربش وارد عرصه‌ای از تحقیق شود. می‌توان حساسیت نظری را در طول فرایند تحقیق نیز توسعه داد. حساسیت نظری به داشتن بصیرت و توانایی معنی دادن به داده اشاره دارد. حساسیت نظری باعث می‌شود نظریه‌ای توسعه یابد که بنیادی و به لحاظ مفهومی غنی و با انسجام بالا باشد (اشتراوس و کوربین، ۱۹۹۰). منبع حساسیت نظری، ادبیات تحقیق است که شامل مطالعات انجام‌شده در مورد موضوع مورد مطالعه و مدارکی مانند بیوگرافی‌ها و اسناد، تجربه‌های حرفه‌ای و تجربه‌ی شخصی را شامل می‌شود. پس از ایجاد سؤال در ذهن محقق و برخورداری وی از حساسیت نظری لازم برای بررسی به جمع‌آوری اطلاعات پرداخت.

۲. منابع جمع‌آوری داده

منابع جمع‌آوری اطلاعات، در روش نظریه‌ی بنیادی، در دو دسته طبقه‌بندی می‌شوند؛ منابع اولیه که شامل مصاحبه‌ها (که اغلب ضبط می‌شوند)، مشاهده‌ی مشارکتی و غیر مشارکتی، ثبت مصاحبه‌ها از زمینه‌ی مورد مطالعه و دفترچه‌ی خاطرات است، و منابع ثانویه که تجارب شخصی، ادبیات موجود و مقایسه‌ی آنها را دربرمی‌گیرد (همان). کوربین و اشتراوس (۲۰۰۸) از دو نوع ادبیات (ادبیات تکنیکی و غیر تکنیکی) برای استفاده در روش‌شناسی نظریه‌ی بنیادی یاد می‌کنند. ادبیات تکنیکی گزارشات مطالعات تحقیقی و مقالات فلسفی و نظری را دربرمی‌گیرد. اینها موادی هستند که محقق می‌تواند یافته‌های خود را با این نتایج مقایسه کند. ادبیات غیر تکنیکی عبارت است از بیوگرافی‌ها، خاطرات روزانه، مدارک، مطالب ضبط‌شده، گزارشات و کاتالوگ‌ها. از این موارد می‌توان به عنوان داده‌های ابتدایی، در نظریه‌ی بنیادی استفاده کرد (کوربین و اشتراوس، ۱۹۹۰). همه‌ی این ادبیات، قبل از شروع به جمع‌آوری داده استفاده می‌شود؛ البته بعدها، دوباره این ادبیات مرور شده، یافته‌ها با آنها مقایسه می‌شوند. پس از دستیابی به منابعی که می‌توان از آنها داده‌ها را جمع‌آوری نمود، مانند هر تحقیقی، فرایند تحقیق برای کشف بیشتر واقعیت، با علاقه به یک موضوع شروع می‌شود.

معمولاً محققان زمانی از نظریه‌ی بنیادی استفاده می‌کنند که موضوع مورد علاقه‌ی آنان، در بخش مروری بر ادبیات تحقیق، تا حدودی نادیده گرفته شده باشد؛ در نتیجه، محقق نظریه‌ی خود را از زمینه‌ی مورد مطالعه بیرون می‌کشد. با وجود این، بیشتر محققان، در زمینه‌ی تخصص خود به بررسی و تحقیق می‌پردازند تا این زمینه یک نگرش کلی نسبت به مسئله‌ی مورد بررسی را فراهم کند؛ لذا، هیچ محقق‌ی با ذهنی خالی از اطلاعات به بررسی در مورد موضوع مورد مطالعه نمی‌پردازد. یک جامعه‌شناس تحت تأثیر نگرش‌های جامعه‌شناختی خود خواهد بود و یک روان‌شناس، درکی کلی از نگرش اجتماعی، رفتاری یا شناختی از پدیده در اختیار دارد. این نظریه‌ها حساسیتی را فراهم می‌کنند که در تفسیر داده‌های جمع‌آوری شده کمک فراوانی می‌کنند. زمانی در این روش مشکل پیش می‌آید که در مورد موضوع مورد مطالعه، تحقیقاتی تجربی و موثق موجود باشد. در این موارد، نظریه‌ی بنیادی باز هم می‌تواند استفاده شود؛ اما باید از پیش‌داوری یا تحت تأثیر قرار گرفتن محقق از آن اطلاعات، با استفاده از تکنیک‌هایی مانند در پراتز گذاشتن ایده‌های خود جلوگیری کند. خطر این روش امکان ورود محقق به زمینه‌ای از تحقیق است که به‌طور آگاهانه یا ناآگاهانه، اطلاعاتی در آن مورد دارد. برای جلوگیری از این حالت پیشنهاد می‌شود که محقق، از همان مراحل اولیه، وارد زمینه‌ی مورد مطالعه شود و از نزدیک، جمع‌آوری داده‌ها را شروع نماید. برخلاف دیگر روش‌های کیفی که فقط یک دسته از داده‌ها را به رسمیت می‌شناسند (مثلاً در پدیده‌شناسی، تنها به کلماتی که در مورد موضوع مورد مطالعه وجود دارند، اکتفا می‌شود)، در نظریه‌ی بنیادی داده‌ها می‌توانند از منابع مختلفی مانند داده‌های دست دوم^۱، تاریخچه‌ی زندگی^۲، مصاحبه‌ها^۳، مشاهدات درون‌نگری^۴، داده‌ی مشاهده‌ای^۵ و یادداشت‌های کوتاه^۶ جمع‌آوری شوند (گلدینگ، ۲۰۰۰).

در مرحله‌ی جمع‌آوری داده، نمونه‌گیری^۷، هدفمند انجام می‌گیرد. نمونه‌گیری نظری^۸ شیوه‌ای از جمع‌آوری داده بر مبنای مفاهیم و موضوعات است که از داده نشأت می‌گیرد. هدف از نمونه‌گیری نظری، جمع‌آوری داده از مکان‌ها، افراد و حوادث است؛

1. secondary data
3. interviews
5. observational data
7. sampling

2. life history
4. introspection
6. memos
8. theoretical sampling

با اینکه امکان توسعه دادن مفاهیم بر مبنای ابعادشان و تشخیص روابط بین مفاهیم هست. در نمونه‌گیری نظری، محقق باید اجازه دهد که تحلیل فرایند تحقیق را هدایت کند. نمونه‌گیری تا زمانی ادامه خواهد یافت که طبقه‌ای به اشباع^۱ برسد (کوربین و اشتراوس، ۲۰۰۸، ص ۱۴۶). اغلب تصور بر این است که اشباع نظری زمانی اتفاق می‌افتد که دیگر، طبقه‌ی تازه‌ای از داده‌ها استخراج نمی‌شود؛ اما در اصل، اشباع نظری چیزی ورای این موضوع است (همان، ص ۱۴۸). به بیان دیگر، هدف از این نوع بررسی صرفاً، رسیدن به مجموعه‌ای از طبقات نیست؛ بلکه اشباع نظری به توسعه‌ی طبقه‌بندی‌ها بر مبنای ویژگی‌ها و ابعادشان اشاره دارد که شامل تنوعات و روابط ممکن‌شان با دیگر مفاهیم است.

۳. مرحله‌ی تجزیه و تحلیل داده‌ها

در تحقیق نظریه‌ی بنیادی، فرایند جمع‌آوری داده‌ها، نظم دادن و تجزیه و تحلیل داده‌ها به هم وابسته‌اند و هم‌زمان انجام می‌شوند. به عقیده‌ی اشتراوس و کوربین (۱۹۹۰) این فرایند، اعمالی را نشان می‌دهد که به وسیله‌ی آن نظریه‌ها بر پایه داده‌ها ساخته می‌شوند. این قسمت فرایند اصلی ساختن نظریه است. نکته‌ی دیگری که در اینجا شایان ذکر است، این است که مرز بین انواع کدگذاری‌ها مصنوعی است؛ یعنی ممکن است از یک مرحله‌ی کدگذاری به مرحله‌ی دیگری وارد شویم، بدون اینکه متوجه باشیم. این اتفاق بیشتر در مراحل کدگذاری باز و کدگذاری محوری اتفاق می‌افتد (همان). در مرحله‌ی تحلیل، کدگذاری‌های باز^۲، محوری^۳ و انتخابی^۴ وجود دارند. کدگذاری به فرایندی از تحلیل اشاره دارد که از خلال آن مفاهیم تشخیص داده شده، ابعاد و خصوصیات آن در داده‌ها کشف می‌گردند. کدگذاری باز به آن بخش از کار اطلاق می‌شود که به طبقه‌بندی کردن پدیده‌ها از یادداشت‌های کوتاه پرداخته می‌شود که نتیجه‌ی نهایی آن، نام‌نهادن و طبقه‌بندی کردن مفاهیم است.

1. saturation
2. Open coding
3. Axial coding
4. Selective coding

روش‌های مختلفی برای کدگذاری باز وجود دارد:

- تحلیل مصاحبه و مشاهدات اولیه با تحلیل خط به خط.
- کدگذاری با جمله یا پاراگراف. در اینجا این سؤال پیش می‌آید که در این جمله یا پاراگراف، چه ایده‌ی اساسی‌ای نهفته است؟
- سومین روش، گرفتن یک سند کامل با مشاهده یا مصاحبه است. سؤال در این بخش این است که چه چیزی این سند را از اسنادی که قبلاً کدگذاری شده‌اند جدا می‌کند؟ در کدگذاری باز پدیده‌ها نام‌گذاری می‌شوند؛ چرا که مفاهیم، واحد تحلیلی در نظریه‌ی بنیادی هستند. قبل از پرداختن به موضوع کشف طبقات، تعریفی از طبقه الزامی است. منظور از طبقه همان طبقه‌بندی مفاهیم است. این طبقه‌بندی وقتی ظاهر می‌شود که می‌خواهیم مفاهیم را برای تشخیص دادن پدیده‌های مشابه، با هم مقایسه کنیم. سپس این مفاهیم با هم جمع می‌شوند و یک نظم بزرگ‌تر را که بیشترین مفهوم ذهنی را می‌رساند، تشکیل می‌دهند که طبقه نام دارد (همان).

کوربین و اشتراوس (۲۰۰۸) مثالی را در مورد چگونگی کدگذاری باز می‌آورند. فرض کنید مصاحبه‌شونده‌ای که جزء سربازان شرکت‌کننده در جنگ ویتنام بوده است، در مورد جنگ و وارد شدنش به جنگ ویتنام توضیح می‌دهد. محقق اظهارات وی را در یادداشت‌های کوچکی گردآوری می‌نماید. هر یادداشت یک شماره و نام کلی از این قرار دارد: یادداشت شماره ۱. تاریخچه‌ی زندگی فرد؛ یادداشت شماره ۲. داوطلب، سرباز و وظیفه، سرباز فراری؛ یادداشت شماره ۳. رزمنده‌ی خط مقدم، رزمنده‌ی پشت خط مقدم؛ یادداشت شماره ۴. دشمن؛ یادداشت شماره ۵. قرار داشتن در منطقه‌ی صلح یا جنگ؛ یادداشت شماره ۶. سیستم ارتش؛ یادداشت شماره ۷. وضعیت خود فرد؛ یادداشت شماره ۸. بی‌ثباتی در جنگ؛ وضعیت روحی فرد؛ یادداشت شماره ۹. درکی از تجربه‌ی جنگ؛ یادداشت شماره ۱۰. یادداشتی مفصل از تجربه‌ی جنگ؛ و... بدین صورت اطلاعات اولیه‌ی کسب‌شده از مصاحبه‌شونده طبقه‌بندی می‌شوند.

کدگذاری محوری مرحله‌ی دیگری از تحلیل است که پس از مرحله‌ی کدگذاری باز انجام می‌شود. کدگذاری محوری را اشتراوس و کوربین فرایندی می‌دانند که طی

آن، مفاهیم به هم ربط داده می‌شوند (اشتراوس و کوربین، ۱۹۹۰؛ کوربین و اشتراوس، ۲۰۰۸). بعد از اینکه در روند کدگذاری باز، داده‌ها به مفاهیم و طبقه‌بندی‌ها تقسیم می‌شوند، کدگذاری محوری، آنها را به سمت هم می‌کشانند تا ارتباط آنها و طبقه‌بندی‌ها و زیرطبقه‌بندی‌ها را در شکل جدیدی نشان دهد؛ پس هدف اصلی کدگذاری محوری این است که داده‌هایی را که در فرایند کدگذاری شکسته شده‌اند، دوباره گردآوری کند. در این کدگذاری، ما به دنبال برهم زدن و پیوستن طبقه‌بندی‌ها هستیم، تا یک تبیین دقیق‌تر و کامل‌تر از پدیده را ارائه دهیم. کدگذاری محوری، برقراری ارتباط بین طبقه‌بندی‌ها با طبقات خردتر و ابعادشان است و چندین کار اصلی دارد که عبارت‌اند از:

- نشان دادن خصوصیات یک طبقه‌بندی و ابعاد آنچه با کدگذاری باز شروع شده است. بعضی از طبقه‌بندی‌ها به موقعیت پدیده‌ها اشاره دارند. بعضی یک پدیده‌ی خاص را نمایش می‌دهند و برخی به استراتژی‌های عمل متقابل که برای اداره یا پاسخ به پدیده‌ی مورد نظر لازم است، اشاره می‌کنند.
 - تشخیص شرایط، کنش‌ها و پیامدهای متنوع که با پدیده‌ها مرتبط‌اند.
 - ربط دادن یک طبقه‌بندی با طبقه‌بندی پایینی‌اش از خلال چگونگی ارتباط طبقات به هم.
 - جست و جو در داده‌ها که مشخص کند چگونه طبقه‌بندی‌های اصلی با همدیگر مرتبط می‌شوند (اشتراوس و کوربین، ۱۹۹۰).
- با توجه به مطالب یادشده یک محقق باید به این موضوع توجه داشته باشد که در تحلیل داده‌ها دو سطح تبیینی وجود دارد: ۱. کلماتی که پاسخ‌دهنده گفته است. ۲. مفهومی که از طبقات ساخته می‌شود. پس از کدگذاری محوری، کدگذاری انتخابی انجام می‌گیرد. کدگذاری انتخابی فرایند ادغام و تصحیح نظریه است. در مرحله‌ی کدگذاری باز، تحلیل‌گر با موضوع به وجود آمدن طبقه‌بندی‌ها برای تعیین اینکه چگونه طبقه‌بندی‌ها ابعاد گوناگونی دارند، سر و کار دارد. در کدگذاری محوری، طبقه‌بندی‌ها به طور نظام یافته گسترش می‌یابند و به طبقات خردتر مرتبط می‌شوند؛ اما هنوز هنگام آن نرسیده که طبقه‌بندی‌ها برای یک طرح نظری کلی یگانه شوند (همان).

۴. طراحی مدل

از این مرحله است که داده‌ها به نظریه تبدیل می‌شوند. تماشای رشد و نمو نظریه، یک حالت جالب توجه است. یگانگی، یک فرایند مداوم است که در طول زمان به وجود می‌آید. می‌توانیم بگوییم نظریه‌سازی از اولین تحلیل‌ها آغاز می‌شود و تا آخرین تحلیل‌ها ادامه می‌یابد. یگانگی کردن یک عمل متقابل بین داده‌هاست (اشتراوس و کوربین، ۱۹۹۰). اولین قدم در مرحله‌ی یگانگی کردن، تصمیم‌گیری در مورد طبقه‌بندی مرکزی است. طبقه‌بندی مرکزی، که گاهی طبقه‌بندی درونی هم نامیده می‌شود، تم (درون مایه‌ی) تحقیق را نشان می‌دهد که محصول یک نوع تجرید است. معیارهای یک طبقه‌ی مرکزی عبارت‌اند از:

۱. مرکزی باشد؛ یعنی تمام طبقه‌بندی‌های اصلی دیگر بتوانند به آن مرتبط شوند.
 ۲. در داده‌ها به صورت مداوم ظاهر شود؛ یعنی تقریباً در تمام موارد شاخص‌هایی باشند که به طبقه‌بندی مرکزی برگردند.
 ۳. تبیینی که با ارتباط دادن طبقه‌بندی‌ها رشد می‌کند، منطقی و باثبات باشد.
 ۴. نام یا عنوانی که برای توصیف طبقه‌بندی مرکزی استفاده می‌شود، باید به حد کافی تجریدی باشد تا بتواند برای تحقیق در دیگر حوزه‌ها استفاده شود و محقق را به سمت توسعه دادن یک نظریه‌ی کلی راهنمایی کند.
 ۵. همچنان که مفاهیم به صورت تحلیلی، در عمل یگانگی، در ارتباط با دیگر مفاهیم تصحیح می‌گردند، نظریه در اعماق مراحل انجام یافته، در حال رشد باشد.
- تصحیح تئوری به دست آمده وقتی رخ می‌دهد که محقق طرح تئوریک را تدوین کرده است. تصحیح تئوری شامل دو مرحله است:

الف) مروری بر طرح برای منطق و ثبات داخلی: یک طرح نظری باید در یک حالت منطقی ارایه شود و دارای ثبات باشد. اگر دیاگرام واضح باشد، ثبات و منطق هم می‌آیند؛ اما در برخی موارد، در هنگام نوشتن گزارش نهایی، محقق این احساس را دارد که هنوز نیاز به کار بیشتری دارد؛ در این گونه موقعیت‌ها محقق باید به عقب برگشته، از دیاگرام‌ها استفاده‌ی بیشتری کرده، یادداشت‌هایش را مرور کند (همان).

گاهی اوقات مشکل، نقص در داده‌ها نیست؛ بلکه زیاد بودن داده‌ها است که رسیدن

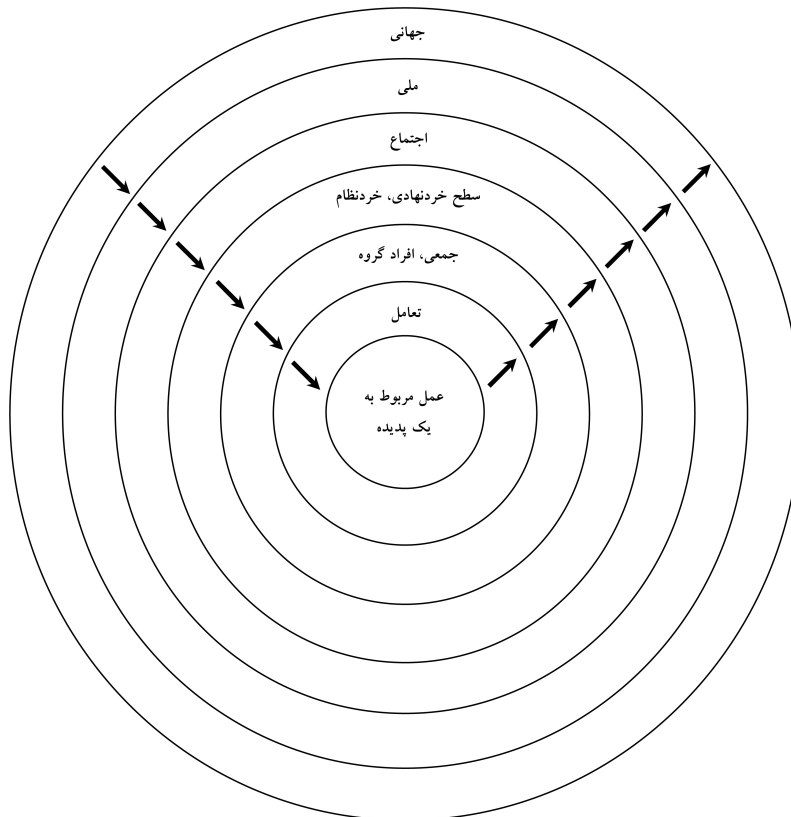
به اشباع نظری^۱ را مشکل می‌کند. در این مورد پیشنهاد می‌شود که داده‌های اضافی حذف شوند و اگر جالب باشند، تحلیل‌گر باید آنها را در کارهای بعدی دنبال کند (همان).

ب) اعتبار دادن طرح نظری: اعتبار تحقیقات کیفی در مورد وصف و تبیین است و هم‌خوانی تبیین مورد نظر با وصف؛ به بیانی دیگر، آیا تبیین قابل اعتماد و پذیرفتنی است (جنسک، ۱۹۹۸)؟ وقتی صحبت از اعتبار می‌شود، منظور آزمایش در مفهوم کمی نیست؛ منظور این است که نظریه از داده‌ها بیرون می‌آید؛ اما در هنگام یگانگی کردن، باید طبقه‌بندی‌ها را با داده‌ها مقایسه کرد یا اینکه یافته‌ها را به پاسخگویان نشان داد و عکس‌العمل آنها را مشاهده نمود. نظریه‌ای که از داده‌ها مشتق می‌شود باید برای شرکت‌کنندگان در تحقیق قابل شناسایی باشد. بعد از کسب اطمینان از اعتبار می‌توان برای یافته‌ها ماتریس شرایط^۲ را تهیه کرد. این ماتریس برای اینکه کمک تحلیلی باشد در نظر گرفته می‌شود تا اینکه پدیده‌ی مورد مطالعه به محدوده‌ی وسیعی از شرایط و نتایج مرتبط با موضوع مورد مطالعه ربط داده شود. ماتریس شرایط می‌تواند به صورت مجموعه‌ای از دایره‌های متحد‌المرکز و از درون به هم متصل با پیکان‌هایی فرض شود که از یک طرف، به سمت مرکز و از طرف دیگر، به سمت خارج حرکت می‌کنند (شکل ۱). پیکان‌ها نشان‌دهنده‌ی وجود فصل مشترک شرایط و نتیجه‌ای از حوادث زنجیروار هستند (کوربین و اشتراوس، ۲۰۰۸).

خارجی‌ترین قسمت ماتریس گسترده‌ترین سطح آن است. ناحیه‌ی بعدی محدودتر از ناحیه‌ی اول است؛ اما باز هم در سطح گسترده‌ای است که می‌تواند موقعیت‌هایی مانند سیاست‌های ملی، تنظیمات دولتی، ارزش‌ها، تاریخ، نهادها، نگرش‌های ملی در برابر رفتارها و روابط جنسیتی را در برگیرد. سطح بعدی شرایطی را شامل می‌شود که «اجتماع» نامیده می‌شود و همه‌ی آیتم‌های فوق را در خود جای می‌دهد. سطح بعدی سطح سازمانی یا نهادی است. هر سازمان یا نهادی اهداف، ساخت، قواعد، مشکلات، تاریخ و روابط خاص خود را دارد که فراهم‌کننده‌ی شرایط در این موقعیت هستند. چرخه‌ی بعدی سطح خرده‌سازمانی یا خرده‌نهادی است و بعدی چرخه‌ی تعامل است و

1. theoretical saturation
2. conditional matrix

مرکزی‌ترین سطح، عمل مربوط به یک پدیده است. یک محقق می‌تواند موضوع مورد مطالعه را در هر محدوده‌ای از این ماتریس مطالعه کند (همان).



شکل شماره ۱: ماتریس شرایط

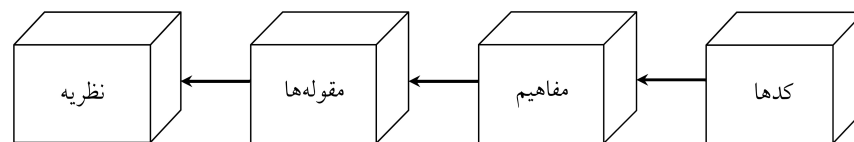
(منبع: کوربین و اشتراوس، ۲۰۰۸؛ اشتراوس و کوربین، ۱۹۹۰)

نتیجه‌گیری

در تحقیقات کیفی، مسیر حرکت، از سمت مشاهدات به طرف انتزاع است و روش‌شناسی نظریه‌ی بنیادی نیز از این قاعده مستثنی نیست. از آنجا که در این روش، بیشتر بر مصاحبه‌های عمیق تأکید می‌شود، در تحقیقات جامعه‌شناختی، مدیریتی، پرستاری و آموزشی که در آنها با انسان، معنا و مفهوم‌سازی سر و کار دارند، از این روش می‌توان کمک جست. با استفاده از این روش می‌توان به لایه‌های زیرین افکار انسان‌ها رسید و آنها را بهتر مدیریت کرد.

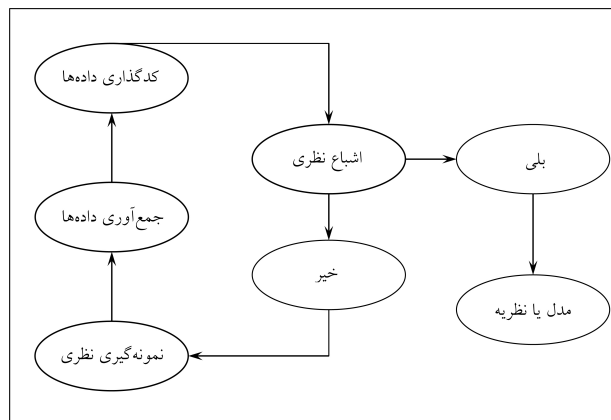
هدف محققین آن بوده است که با معرفی این روش و نشان دادن کاربرهای آن بتوانند به رواج بیشتر این روش در محیط‌های آکادمیک کمک کنند و مسیر تحقیقات را که بیشتر در سلطه‌ی روش‌های کمی است، تغییر دهند. کمی به نظر می‌رسد به کارگیری این روش، در جامعه‌ای که در آن بیشتر نظریه‌ها از جوامع غربی اقتباس می‌شود، مفید خواهد بود.

در روش نظریه‌ی بنیادی، برای رسیدن به نظریه و استخراج آن از داده‌های جمع‌آوری شده، باید مراحل مختلفی طی شوند. دانایی فرد در مقاله‌ی «نظریه‌پردازی با استفاده از رویکرد استقرایی: استراتژی مفهوم‌سازی نظریه‌ی بنیادی» مسیر تکامل نظریه را در این روش، به این شکل ترسیم می‌کند:



شکل شماره‌ی (۲): مسیر تکامل نظریه در استراتژی مفهوم‌سازی نظریه‌ی بنیادی
(منبع: دانایی فرد، ۱۳۸۴)

در روش‌شناسی نظریه‌ی بنیادی نشان داده شد که از مفاهیم و طبقات، به تدریج نظریه استنباط می‌شود. نظریه‌ای که در نهایت، خود افراد مصاحبه‌شونده باید تأییدکننده‌ی آن باشند. در کل می‌توان فرایند ساختن نظریه از روش‌شناسی بنیادی را به شکل زیر ترسیم نمود:



شکل شماره‌ی (۳): فرایند به هم مرتبط نمونه‌گیری، جمع‌آوری و کدگذاری داده‌ها برای رسیدن به نظریه

مراحل فوق برای ساختن نظریه از راه روش‌شناسی نظریه‌ی بنیادی باید طی شوند. بعد از نمونه‌گیری نظری، جمع‌آوری داده‌ها و هم‌زمان با آنها، کدگذاری و تحلیل آنها آغاز می‌شوند و تا مرحله‌ی اشباع نظری ادامه می‌یابند. در مرحله‌ی اشباع نظری، مدل یا نظریه ساخته می‌شود. پس از ساخته شدن نظریه، باید از اعتبار آن مطمئن شد؛ بدین گونه که نمونه‌ی مورد بررسی، نظریه یا مدل به دست آمده را تأیید کند.

فهرست منابع

۱. اقدسی، محمد و فرزاد موحدی سبحانی. ارایه‌ی چارچوب نظری در زمینه‌ی تعامل قابلیت یادگیری و تحول سازمانی، مجله‌ی فنی و مهندسی مدرس، ش ۱۱، ۱۳۸۲.
۲. ایمان، محمدتقی. نگاهی به اصول روش‌شناسی‌ها در تحقیقات علمی، نشریه‌ی دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز، دانشگاه تبریز، ۱۳۷۴.
۳. دانایی فرد، حسن. تئوری‌پردازی با استفاده از رویکرد استقرایی: استراتژی مفهوم‌سازی تئوری بنیادی، دانشور رفتار، دانشگاه شاهد، ۱۳۸۴.
۴. طالبان، محمدرضا. پرستاران و روش‌های تحقیق کیفی، انتشارات بشری، تهران، ۱۳۸۲.
5. Annells, M. "Grounded theory method: philosophical perspectives, paradigm inquiry, and postmodernism". *Qualitative Health Research*, 6(3): 379-93, 1996.
6. Baszanger, I. "The work sites of as American interactionist: Anselm L. Strauss, 1917-1996". *Symbolic Interaction*, 21 (4): 353-78, 1998.
7. Blumer, H. *Symbolic interactionism: perspective and method*. Englewood Cliffe, NJ: Prentice Hall, 1969.
8. Brown, A. "Politics, symbolic action and myth making in pursuit of legitimacy". *Organization Studies*, 15(6): 861-78, 1994.
9. Brown, A. "Managing understandings: Politics, symbolism, niche marketing and the quest for legitimacy in IT implementation". *Organization Studies*, 16(6): 951-69, 1995.
10. Browning, L., Beyer, J & Shetler, J. "Building co-operation in a competitive industry: Sematech and the semiconductor industry". *Academy of Management Journal*, 38(1): 113-51, 1995.
11. Burchill, G. & Fine, C. "Time versus market orientation in product concept development: empirically-based theory generation". *Management Science*, 43(4): 465-78, 1997.

12. Calloway, L. J. & Ariav, G. "Designing with dialogue carts: a qualitative content analysis of end user designers experiences with a software engineering design tool". *Information Systems*, 5(2): 75-103, 1995.
13. Charmaz, K. The grounded theory method: an implication and interpretation. In R. Emerson (ed), *Contemporary field research: a collection of readings*. Boston: Little Brown, 1983.
14. Clegg, J. A., Stander, P. & Jones, G. "Striking the balance: a grounded theory analysis of staff perspectives". *British Journal of Clinical Psychology*, 35(2): 249-64, 1996.
15. Corbin, J., & Strauss, A. *Basics of qualitative research (3e), Basics of qualitative research, Techniques and procedures for developing grounded theory*. Thousand oaks, USA: Sage, 2008.
16. Creswell, J. W. *Research design: qualitative and quantitative approaches*. USA: Sage, 1994.
17. Crook, . & Kumar, R. "Electronic data interchange: a multi-industry investigation using grounded theory". *Information Management*, 34(2): 75-89, 1998.
18. Egan, M. "Getting down to business and off welfare: rural women entrepreneurs". *Affilia*, 12: 215-28, 1997.
19. Firestone, W. A. "Meaning in method: The rhetoric of quantitative and qualitative research". *Educational Researcher*, 16(7), 16-21, 1987.
20. Glaser, B. & Strauss, A. *The discovery of grounded theory: Strategies for qualitative research*. London: Weidenfeld and Nicolson, 1967.
21. Glaser, B. *Theoretical sensitivity*. Mill Valley, CA: Sociology Press, 1978.
22. Glaser, B. *Basics of grounded theory analysis: emergence v forcing*. Mill Valley, CA: Sociology Press, 1992.

23. Goffman, E. *The presentation of self in everyday life*. New York: Doubleday, 1959.
24. Goffman, E. *Asylums*, ed D. Cressey. New York: Holt, Reinhart & Winson, 1961.
25. Goffman, E. *Strategic interaction*. Oxford: Basil Blackwell, 1970 .
26. Goulding, C. “The museum environment and the visitor experience”. *European Journal of Marketing*, 34(3/4): 433-52, 2000b.
27. Goulding, C. “The commodification of the past, postmodern pastiche, and the search for authentic experiences at contemporary heritage attractions, special edition of consumer behavior”. *European Journal of Marketing*, 34(7): 835-53, 2000c.
28. Guba, E. C., & Lincoln, Y. Do inquiry paradigms imply inquiry methodologies? In D. M. Fetterman (Ed.), *Qualitative approaches to evaluation in education* (pp. 85-115). New York: Praeger, 1988 .
29. Hirschman, E. C. & Thompson, C. “Why media matter: toward a richer understanding of consumers relationships with advertising and mass media”. *The Journal of Advertising*, 26(1): 43-60, 1997.
30. Houston, H. R. & Venkatesh, A. “The health care consumption patterns of Asian immigrants: grounded theory implications for consumer acculturation theory”. *Advances in Consumer Research*, 23: 418-23, 1996.
31. Janesick, Valerie. *The dance of qualitative research design: Metaphor, methodology and meaning*. In Denzin, Norman K. and Lincoln, Yvonna S. (eds). *Strategies of qualitative inquiry*. USA: Sage. pp35-55, 1998.
32. King, S. “Case tools and organizational action”. *Information Systems*, 6(3): 173-94, 1996.
33. Lincoln, Y. S., & Guba, E. G. *Naturalistic inquiry*. Beverly Hills, CA: Sage, 1985.

34. Lowenerg, J. S. "Interpretive research methodology: broadening the dialogue". *Advances in Nursing Science*, 16(2): 57-69, 1993.
35. Manning, K., Beardon, W. & Rose, R. "Development of a theory of retailer response to manufactures everyday low cost programs". *Journal of Retailing*, 74(1): 107-37, 1998.
36. McCracken, G. *The long interview*. Newbury Park, CA: Sage, 1988.
37. McKinley-Wright, M. "I never did any field work, but I milked an awful lot of cows! Using rural women experience to reconceptualise models of work". *Gender and Society*, 9(2): 216-35, 1995.
38. Morse, J. M. *Emerging from the data: the cognitive process of analysis in qualitative enquiry*. In J. M. Morse (ed), *Critical issues in qualitative research methods*. Thousand oaks, CA: Sage, 1994.
39. Morse, J. M., Richards, L. *Read me first for a user's guide to qualitative methods*. London: Sage, 2002.
40. Newman, W. L. *Social research methods: qualitative and quantitative approaches*. USA: Allen & Bacon, 1997.
41. Nuefeldt, S., Mitchell, P. & Nelson, M. "A qualitative study of experts conceptualization of supervisee reflectivity". *Journal of Counselling Psychology*, 43(1): 3-9, 1996.
42. O'Callaghan, J. "Grounded theory: a potential methodology". *Counselling Psychology Review*, 11 (1): 136-54, 1996.
43. Parry, K. w. "Grounded theory and social process: a new direction for leadership research". *Leadership Quarterly*, 9(1): 850105, 1998.
44. Quantze, R. A. *On critical ethnography (with some postmodern considerations)*. In M. D. Lecompte, W. L. Millory, & J. Preissle (Eds). *The handbook of qualitative research in education* (pp. 447-505). New York: Academic press, 1992.

45. Riley, R. "Revealing socially constructed knowledge through quasi-structured interviews and grounded theory analysis". *Journal of Travel and Tourism Marketing*, 15(2): 21-40, 1996.
46. Schroeder, D. M. & Congden, C. "Linking competitive strategy and manufacturing process technology". *Journal of Management Studies*, 32(2): 163-86, 1995.
47. Schwandt, T.A. Constructivist, interpretivist approaches to human enquiry. In N. K. Denzin and Y. S. Lincoln (eds), *Handbook of qualitative research*. Thousand Oaks, CA: Sage, 1994.
48. Seeley, M. & Targett, D. "A senior executive end-user framework". *Information Systems*, 7(4): 289-308, 1997.
49. Smith, J. K. "Quantitative versus qualitative research: an attempt to clarify the issue". *Educational Researcher*, pp. 6-13, 1983.
50. Strauss, A. *Qualitative analysis for social scientists*. New York: Cambridge University Press, 1987.
51. Strauss, A., & Corbin, J. *Basics of qualitative research: grounded theory procedures and techniques*. Newbury Park, CA: Sage, 1990.
52. Strauss, A., & Corbin, J. *Grounded theory methodology: an overview*. In N. Denzinin, & Y. Lincoln (eds), *Handbook of Qualitative Research*. Thousand oaks, CA: Sage, 1994.
53. Turner, *Connoisseurship in the study of organizational cultures*. In A. Bryman (ed), *Doing research in organizations*. London: Routledge, 1981.
54. Turner. "Some practical aspects of qualitative data analysis: one way of organizing the cognitive process associated with the generation of grounded theory". *Quality and Quantity*, 15: 225-47, 1981.